

تجلی اشعار حافظ در ادبیات گُردی

عسین شاعران گُرد از شعر حافظ

تألیف و گردآوری

سعید احمدی



سرشناسه :	احمدی، سعید، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور :	تجلی اشعار حافظ در ادبیات کردی (تضمین شاعران کرد از شعر حافظ) / سعید احمدی
مشخصات نشر :	تهران: سخنوران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری :	۱۶۲ ص
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۳۸۳-۰۶۶-۰ ریا ۱۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	شعر و ادبیات فارسی
موضوع :	شعر و ادبیات کردی
شماره کتابشناسی ملی :	۳۷۸۱۲۸



کارگر شمالی، پلاک ۱۱، از ادبیات، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳ - ۰۶۶۷۲۰۶

Sokhanvaran@khataya100.com

عنوان کتاب : تجلی اشعار حافظ در ادبیات کردی (تضمین شاعران کرد از شعر حافظ)

مؤلف : سعید احمدی
ناشر : سخنوران
ویراستار ادبی : حمید رضا حاجی
ویراستار فنی : فرامرز احمدی
ویراستار بخش کردی : عدنان مرادی
صفحه‌آرا و طرح جلد : سخنوران - رحیم بخش
سال و نوبت چاپ : ۱۳۹۵ - اول
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۳-۰۶۶-۰
مرکز بخش : ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳
قیمت : ۱۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	بیشگفتار.....
۱۱	عده ۴؛ گذری کوتاه بر ادبیات کردی و پیوند آن با ادبیات فارسی.....
۱۳	صمیمین و انواع آن.....
۱۶	مختصری از احسان خواجه حافظ شیرازی.....
۲۱	ملای جزیری، (۱۰ ریفی ۱۶۲۰م).....
۲۵	صادق اردلانی.....
۲۹	شیخ عثمان سراج‌الدین نیشابری و یله‌ای (۱۱۹۵-۱۲۸۳هـ.ق).....
۳۳	باقی موصلی (۱۲۰۴-۱۲۷۸هـ.ق).....
۳۹	سعید مهری (۱۲۱۰-۱۳۰۰هـ.ق).....
۴۱	نباتی.....
۴۵	سالم صاحبقران (۱۲۲۰-۱۲۸۶هـ.ق).....
۴۷	رنجوری (۱۲۳۰-۱۳۰۰هـ.ق).....
۵۱	حاج قادر کویی (۱۲۳۷-۱۳۱۴هـ.ق).....
۵۵	محو‌ی بالخی (۱۲۵۳-۱۳۲۷هـ.ق).....
۵۷	شیخ رضا طالبانی (۱۲۵۴-۱۳۲۷هـ.ق).....
۶۵	امین یمنی یک (ولادت ۱۲۶۱هـ.ق).....
۷۱	ملا عبدالله مولوی (ولادت ۱۲۷۵هـ.ق).....
۷۵	ملا حسن دزلی (۱۲۷۵-۱۳۶۵هـ.ق).....

ناری (۱۲۹۰-۱۳۶۳ هـ.ق)	۷۹
صافی هیرانی (۱۲۹۴-۱۳۶۱ هـ.ق)	۸۹
شمس قریشی (متوفی ۱۳۶۵ هـ.ق)	۹۳
طاہر بیگ جاف (۱۲۹۵-۱۳۳۷ هـ.ق)	۹۹
حمید صابقران (۱۲۹۵-۱۳۵۵ هـ.ق)	۱۰۳
خانہ ریوانی (۱۳۱۸-۱۳۸۵ هـ.ق)	۱۰۷
احمد نور (۱۳۱۰-۱۳۱۳ هـ.ق)	۱۱۷
صارم اردلان (۱۳۱۰-۱۳۱۰ هـ.ق)	۱۲۱
امین اشنویی (۱۳۱۸-۱۳۳۳ هـ.ق)	۱۲۳
کاردوخ‌ی نقشبندی (۱۳۲۹-۱۳۸۲ م)	۱۲۷
حقیقی (۱۲۸۱-۱۳۷۵ هـ.ش)	۱۲۹
عباس کمندی (۱۳۳۱-۱۳۹۳ هـ.ش)	۱۳۷
فایق لطفی (۱۳۲۲ هـ.ش)	۱۴۱
مؤمن یزدانبخش (۱۳۳۰ هـ.ش)	۱۴۳
معصوم صفیعی (چکاو) (۱۳۳۶ هـ.ش)	۱۴۷
یزدانبخش لطفی (۱۳۳۹ هـ.ش)	۱۵۱
عدنان مرادی (۱۳۵۰ هـ.ش)	۱۵۳
اکرم حسن زاده (سریاس) (۱۳۵۱ هـ.ش)	۱۵۷
رضا جمشیدی (۱۳۵۱ هـ.ش)	۱۵۹
منابع و مآخذ	۱۶۱

پیشگفتار

از جمله میراث معنوی هر کشور یا ملتی، زبان و ادبیات آن ملت می‌باشد. بدیهی است کشور ایران با پیشینه‌ی تاریخی خود و به میمنت سخنوران بلندآوازه‌ای همچون فردوسی، سعدی، حافظ، مولانا و ... که شهد کلامشان در اقصا نقاط جهان کام هر صاحب ذوقی را شیرین کرده‌است، سهم عمده‌ای از ادبیات جهانی را به خود اختصاص داده و در این زمینه صاحب گنجینه‌ای به غایت غنی است.

در آنجا که کشور ایران دستچینی زیبا از اقوام مختلف است لذا تعامل فرهنگی بین این اقوام در طول تاریخ اجتناب ناپذیر بوده است و به واسطه‌ی همین تعامل فرهنگی و ادبی شاعران در سخنوران این مرز و بوم از سخن یکدیگر تأثیر فراوان پذیرفته‌اند. در این میان سخن پردازان ادبیان گُرد نیز به عنوان یکی از اقوام ایرانی از این تعامل دوسویه‌ی ادبی بهره‌ی وافری برداشته‌اند. آنجا که ناری (مه‌لا کاکه همه‌ی ییلو) در دیوان اشعار خود به همانندی غزلش به «سبک» (لهجه) حافظ افتخار می‌کند و می‌گوید:

«وا نه‌زائیم بی‌سده در نابی نه‌گهر ناری بلی»

نه‌م غه‌زله‌مانه له له‌هجرای شیخی شیرازی نه‌کا»^۱

دیوان ناری، ص ۴۶.

البته ناری در دیوان اشعار خود اشاراتی به جامی، نظامی، انوری، عنصری و شخصیت‌های شاهنامه فردوسی هم دارد. مانند:

«ناگه‌م له‌ته‌ریقی هونه‌ر قه‌ت به‌نیزای»

یا خود له سلوکا به ده‌ری ده‌وله‌تی جامی»^۲

دیوان ناری، ص ۸۱.

۱- جسارت و بی ادبی نیست چنانچه ناری بگوید: این غزل به سبک و لهجه غزل‌های شیخ شیرازی است. (لازم به توضیح است که بیشتر اشعار گُردی جهت آشنایی خوانندگان گرامی تحت الفظی به زبان فارسی ترجمه و معنی شده‌اند.)
۲- من در مسیر هنر هرگز به نظامی نمی‌رسم و در طریقت و سیر و سلوک هرگز به مقام و جایگاه جامی دست پیدا نخواهم کرد.

این تأثیرپذیری و جلوه‌گری از شعر و ادبیات فارسی در لایه لای بسیاری از اشعار شاعران کرد دیده می‌شود.

تأثیرپذیری شاعران کرد از شعر و ادبیات فارسی به شیوه‌های گوناگونی از جمله: تضمین اشعار، صورخیال مشابه، مضامین مشترک، ترجمه و ... در دیوان اشعار و آثار آنان تجلی و هویداست.

یکی که حاج قادر کویی غزلی از خواجه شیراز را با مطلع:

ای دوست دل از بند غم و جور رهاکن
درد دبیچ ساره‌ام از رحم دواکن
دستی دگاه است ز کرم کام رواکن
ای خسرو خندان نظری سوی گداکن
رحمی به من سوخته‌ی بی‌سر و پاکن

تضمین و تخمیس نموده است. حاج قادر از غزل حافظ تضمینی ملمع گونه با این مطلع سروده است:

ئه‌گه‌ر تومیدی دل بیتته بی‌ساره جیهان ئارا
به خال هندویش بخشم سرقه و بخارا را

تاکید نگارنده در این کتاب بر تضمین است که شاعران کرد به شیوه‌های مختلفی همچون (تخمیس، مربع، ملمع و...) سروده‌اند.

درخامه شایسته است از تمامی بزرگواران و عزیزانی که در گردآور، تنظیم و تألیف مطالب این اثر همکاری نموده‌اند، به‌ویژه شاعر و محقق زبان و ادبیات کردی جناب آقای محمد رشید امینی و جناب آقای کیومرث زرافشان صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

به آن امید که این اثر مورد پسند و استفاده‌ی شاعران، استادان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به زبان و ادبیات گُردی و فارسی قرار گیرد و از سروران گرامی‌ه خواهشمند است چنانچه تضمینی با گویش‌های مختلف زبان گُردی از اشعار حافظ سروده‌اند یا از شاعرانی دیگر در اختیار دارند همراه با انتقادات و پیشنهاد‌های سازنده‌ی خود درخصوص محتوای این کتاب که حقیقتاً راهگشا خواهد بود، از طریق آدرس الکترونیکی: saeed.ahmadi52@gmail.com به مؤلف ارسال و آرایه نمایند تا در چاپ‌های بعدی مدنظر قرار گیرند.

باسپاس

سعید احمدی

به هزار و سیصد و نود و چهار خورشیدی

مقدمه

گذری کوتاه بر ادبیات کردی و پیوند آن با ادبیات فارسی

ادبیات کردی از جمله ادبیات‌های پرمایه و غنی در عصر حاضر است. اگرچه تدوین قواعد و پرداختن به این زبان هرگز جنبه دانشگاهی و ملی در چهارچوب تصویبات ادبی و کارشایی به خود ندیده است، لیکن در مسیر تاریخ چندصدساله گذشته به خوبی درخشیده و غلاء مذکور را تلافی کرده است. ادبیات کردی در شکل مکتوب خود آثاری به جای گذاشته است که بدون اغراق در شمار معدود آثار ارزنده جهانی می‌باشند.

شاعران و نویسندگان کرد با پشتوانه‌ای از ادبیات این مرز و بوم و استفاده از زبان و ادبیات همسایان خود به تدریج و تعدیل ساختمان ادبیات کردی پرداخته‌اند. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی کردستان که در چند کشور مختلف واقع شده است، عامل اساسی در ایجاد ارتباط با فرهنگ‌های مختلفی است که ادیب کرد لاجرم از آن تأثیر می‌پذیرد.

اکثر شاعران و نویسندگان آثار خود را با زبان کردی و زبان‌های فارسی، عربی و ترکی عرضه کرده‌اند. با نگاهی به عرصه‌ی ادبی خصوصاً شعر تأثیر و نفوذ عمیق ادبیات فارسی در آن کاملاً هویدا و روشن است، و در پاره‌ای موارد این تأثیر چنان است که احساس می‌شود ترجمه‌ای نکته به نکته صورت گرفته است. مثلاً اندک احساس را می‌توان در اشعار «وفایی» در تأثیر شعرش از حافظ مشاهده کرد. چنان‌که گفته شد تأثیر زبان و ادبیات فارسی حتی از ادبیات عرب نیز بیشتر حس می‌شود. شاید عامل این نفوذ علاوه بر پیوند نژادی و تاریخی، این باشد که آثار اخلاقی و حکمی شاعران فارس همه به گونه‌ی کتب علمی و ادبی در حوزه‌ها و حجره‌های درسی در مناطق کردنشین تدریس می‌شده است. چنان‌که «گلستان» و «بوستان» سعدی از جمله مواد درسی طلبه‌ها پس از فراگیری علوم ابتدایی صرف و نحو عربی بوده است. لذا از همان ابتدا با زبان فارسی و لطایف و بدایع آن آشنا می‌شدند.

قابل توجه است که اکثر قریب به اتفاق ادیبان کرد خاصه شاعران از همین قشر طلبه بوده‌اند. ناگفته پیداست که آثاری مانند گلستان و بوستان خود هموارکننده‌ی راهی بودند

که طالبان علم و علاقه‌مندان به زبان فارسی در آن قرار می‌گرفتند. لذا آن دو منبع (گلستان و بوستان) برای کسب اخلاق و حکمت و درک افکار لطیف عرفانی کافی نبوده و خواننده را به دنبال منابعی از این دست می‌کشاندند. چنان‌که نهایتاً مثنوی معنوی، غزلیات حافظ و ... به جمع منابع مذکور پیوستند. بنابراین تأثیر ادبیات فارسی در زبان و ادبیات گُردی در اشعار بسیاری از شاعران گُرد به وضوح دیده می‌شود که به نظر می‌رسد مولانا، شامی، حافظ و خیام بیشتر از همه مورد توجه شاعران گُرد قرار گرفته‌اند. البته در ادبیات گُردی آثاری هم به پیروی از «شاهنامه» فردوسی یا ترجمه‌ی منظوم آن و دیگر آثار فارسی دیده می‌شود. عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار) رباعیات حکیم عمر خیام را به زبان گُردی ترجمه کرده که در سال یکهزار و سیصد و شصت و نه شمسی انتشارات سروش آن را به چاپ رسانده است. هم‌زمان با این حقیقی یکصد غزل حافظ را به زبان گُردی ترجمه و چاپ کرده است. البته نمودن تأثیر این تأثیرپذیری را در قالب تضمین، ترجمه و صور خیال مشابه و مضامین مشابه می‌توان مشاهده کرد. مثلاً بیسارانی اشعاری در مضمون ابیات اول مثنوی معنوی (بشنوای من حکایت می‌کند) دارد که ذهن هر خواننده را به ابیات نخستین مثنوی معنوی معطوف می‌کند. لذا شاعران گُرد چه آنان که در ایران زندگی می‌کرده‌اند و چه آنان که در خارج از مرزهای ایران بوده‌اند، مستقیماً با زبان و ادبیات فارسی سروکار داشته و در پاره‌ای موارد از گویش‌های این زبان گوی سبقت را ربوده و اشعاری دلنشین به این زبان سروده‌اند.

کمتر شاعر گُرد زبانی دیده می‌شود که شعر فارسی را نسبت به زبان گُردی از آن جمله می‌توان به کتاب «پارسی گویان گُرد» تألیف استاد «حیرت سجادی» اشاره نمود. در پایان باید گفت که متأسفانه ادبیات گُردی آن چنان که شایسته و به‌جا است مورد لطف قرار نگرفته و همواره نسبت به ادبیات همسایگان یک گام عقب‌تر است. لذا همت منتقدان و ادیبان را در ارایه و تدوین این ادبیات پرمایه و غنی می‌طلبید. باشد که روزی پرده‌های جهل و خمول از این ادبیات غنی و زنده‌ی دنیا کاملاً برداشته شود تا همگام با بقیه زبان‌ها در میان محافل و انجمن‌های ادبی جهان مطرح شود.

ان شاء الله

مؤلف - بهار ۱۳۹۴ شمسی